

سیاست منافقانه ایران؛ خیانت به شیعیان، خدمت به امریکا

در چند روز گذشته، حدود ۵۰۰ تن از مسلمانان لبنان در اثر حملات دولت یهود به شهادت رسیده و هزاران نفر دیگر زخمی شده‌اند. این حملات به اشکال مختلف از جمله انفجار دستگاه‌های ارتباطی مانند پیجرها و پی‌سیم‌ها، و همچنین حملات هوایی علیه زنان، مردان و کودکان صورت گرفته است. این وقایع موجی از احساسات را در میان مسلمانان افغانستان نیز برانگیخته است.

متأسفانه در عصر حاضر، سرزمین‌های اسلامی از وجود خلیفه‌ای که همچون سپری در برابر ظلم یهود ایستادگی کند، محروم‌اند. از این رو، عکس‌العمل به این حملات، همانند دیگر حوادث مشابه، تنها به محکومیت‌های لفظی محدود شده است. در این محکومیت‌ها، تفاوت چندانی میان حُکام کشورهای اروپایی و حُکام سرزمین‌های اسلامی مشاهده نمی‌شود.

با این حال، این حُکام همانند دولت ایران و گروه‌های وابسته به آن، به اغوای افکار عمومی مشغول‌اند و در برابر این جنایات خاموش مانده‌اند. زمانی که جنایات وحشیانه و نسل‌کشی در غزه نتوانسته است حُکام ایران را به واکنش وادارد، روشن است که جنایات در لبنان نیز آنها را تکان نمی‌دهد. سال‌هاست که دولت ایران با شعار حمایت از مسلمانان به‌خصوص شیعیان حنجره‌اش را پاره کرده، اما هرگاه زمان عمل فرا می‌رسد، سکوت و خیانت آن‌ها برملا می‌شود. در واقع، دولت ایران نه اسلامی است و نه قلبش برای شیعیان می‌تپد. ایران یک دولت ملی است که در خدمت منافع امریکا در منطقه عمل می‌کند و دفاع از شیعیان را تنها به‌عنوان شعاری برای مشروعیت سیاست‌های خود به‌کار می‌برد. این سیاست‌ها عده‌ای از سطحی‌فکران را که دید دقیق از اوضاع سیاسی ندارند، فریب می‌دهد.

در واقع، هر دولت ملی که شعار اسلام سر می‌دهد، توانایی انجام کاری برای مسلمانان را ندارد. این دولت‌ها سال‌هاست تحت نام سنی و شیعه به تفرقه‌اندازی میان امت اسلامی مشغول بوده‌اند، و امروز هیچ دولت سنی برای مردم غزه و هیچ دولت شیعه برای مردم لبنان اقدامی انجام ندادند. زیرا هر نوع اقدام اساسی در تضاد با منافع ملی آن‌ها و خواسته‌های امریکا قرار دارد. وقتی امریکا خواستار سرکوب انقلاب سوریه بود، همین حُکام خائن منطقه به میدان آمدند و انقلاب را سرکوب کردند. همین ایران بود که در جنگ افغانستان و عراق امریکایی‌ها را همکاری کرد و به این همکاری علناً افتخار نیز می‌کند. بنابراین زمانی که منافع امریکا ایجاب می‌کند، ایران با شعار شیعه‌گرایی و ملی‌گرایی از برخی گروه‌های نیابتی حمایت می‌کند؛ اما امروز که سیاست و پالیسی امریکا تغییر کرده، ایران نیز به تناسب آن، سیاست خود را تغییر داده است. این واقعیت نشان می‌دهد که این دولت‌ها تنها به منافع ملی خود و دستور قدرت‌های خارجی، به‌ویژه امریکا، عمل می‌کنند، نه برای منافع اسلام و مسلمانان.

بنابراین، هیچ فرد و هیچ گروهی نباید به حمایت از این حُکام، به‌ویژه حُکام ایران، امید ببندد. این حُکام برای بقای خود آماده‌اند به هر گروه، قوم و مذهبی خیانت کنند. در مقابل، حزب التحریر دارای قیادتی است که به مردم خود دروغ نمی‌گوید، به تعصبات مذهبی آلوده نیست و تمام مسلمانان را به سوی تأسیس خلافت راشده ثانی دعوت می‌کند. زیرا تنها با برپایی خلافت بر منهج نبوت است که می‌توان حُکام مخلص داشت که حمایت از مسلمانان، اعم از سنی و شیعه، را جزء اساسی رسالت ایمانی خود می‌دانند. چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتَلُ مِنْ وَرَائِهِ وَيَتَّقَى بِهِ» (رواه البخاري وأبو داود)

ایمام (خلیفه) مسلمین سپر است که به امر وی جهاد کرده می‌شود و به تدبیر او مسلمین از شر دشمن حفاظت می‌شوند.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایه افغانستان